

بهدار لے قوا و عزم ملی

لازمہ اجر ایے نشدن اصل ۴۴

گفت و گو با مهندس محمد رضا باهنر - نایب رئیس مجلس شورای اسلامی



■ با توجه به تغییرات و تحولات ایجاد شده پس از دولت نهم، چشم انداز اوضاع بخش خصوصی را چگونه می بینید؟

بخش خصوصی با تلاش های خودش راه افتاد و فعالیتهایی را هم انجام داده است اما با آنچه باید باشد فاصله زیادی دارد. علت اساسی آن هم متاسفانه دولتی بودن اقتصاد ماست. علیرغم اینکه دولتهای مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی و پذیرش قطعنامه سرکار آمدند و با هر نگرشی مانند چپ یا راستی بودن، تمرکز گرایی یا طرفداری از بخش خصوصی، در یک نکته مشترک بودند آن اینکه روز به روز سهم دولت را از اقتصاد افزایش دادند. امروز در میان نخبگان شایع است که ایران از نظر سهم اقتصاد می دهد علیرغم اینکه هنوز کشورهای سوسیالیستی و کمونیستی در دنیا وجود دارد که با اقتصاد سوسیالیستی اداره می شود اما نظام جمهوری اسلامی در بحث سهم اقتصاد برای دولت گوی سبقت را از برخی کشورهای سوسیالیستی هم ربوده است. بنابراین بخش خصوصی علیرغم تلاشهایی که صورت داده، میدانی را برای جولان نداشته است و عموماً در رقابت های ناعادلانه که با نهادهای دولتی یا نهادهای عمومی غیردولتی داشته، نتوانسته جایگاه شایسته

یکی از مسائل بسیار مهمی که در اجرایی شدن بهینه اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد رونق کسب و کار و باز بودن فضا برای فعالیت بخش خصوصیات. طی سالهای گذشته همواره مشکلاتی گریبانگیر فعالان اقتصادی بخش خصوصی بوده که موجب شده بدنه این بخش همواره ضعیف و نحیف باقی بماند و به تبع آن توانمندی آن کاهش یابد. بر اثر مشکلات روزمره و قوانین و مقررات دست و پاگیر حلقه های قوی و تشکلهای موثر عینیت پیدا نکنند و سرانجام بخش خصوصی ضعیف تر از گذشته همواره به فکر حداقل ها باشد. علیرغم اینکه نهادهای تاثیرگذار در مجلس، دولت و قوه قضائیه جملگی دم از حمایت بخش خصوصی می زنند اما همواره طی سالهای گذشته شاهد بزرگتر شدن حجم دولت و عدم امنیت سرمایه گذاری و فقدان فضای کسب و کار مناسب و توسعه نیافتگی اقتصاد بخش خصوصی بوده ایم. در این خصوص با مهندس باهنر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی گفتگویی داشتیم.

مهندس باهنر متولد ۱۳۳۱ در کرمان است. وی تحصیلات خود را در رشته های مهندسی معماری دانشگاه علم و صنعت تهران و اقتصاد و برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبائی گذرانده است.

مهندس باهنر در دوره دوم بعنوان نماینده بافت کرمان، در دوره های سوم، چهارم و پنجم نماینده تهران و در دوره هفتم هم نماینده مردم کرمان در مجلس شناخته می شود.

در طول این ۱۸ سال تقریباً فعالیت در تمام کمیسیونهای مجلس را تجربه کرده است. از کمیسیون کار گرفته تا کمیسیون اقتصاد و دارایی، عمران، برنامه و بودجه و کمیسیون اجتماعی. در دوره پنجم بعنوان عضو هیات رئیسه مجلس فعال بود. در زمان مجلس ششم نیز با عنایت مقام معظم رهبری به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام در می آید و عضو کمیسیونهای زیربنایی و سیاسی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز می باشد.

وی دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین کشور که در سال ۶۷ تاسیس شده است هم می باشد و می گوید تلاش می کنم هم در فعالیت های سیاسی و هم در تشکیلات فنی و مهندسی مواضع خود را از طریق مجلس و دولت تصویب و اجرایی کنیم. وی در قانون برنامه اول معاون کمیسیون مربوطه بود و در برنامه های دوم و سوم هم ریاست کمیسیونهای مخصوص برنامه های توسعه را برعهده داشته است. پیرامون اصل ۴۴ و مباحث مربوط به آن گفت و گویی با مهندس باهنر انجام دادیم که ملاحظه می کنید.



خود را پیدا نماید. قاعدتا این ظلمی که به اقتصاد کشور شده توسط افرادی صورت گرفته که سهم دولت را افزایش داده و اجازه رشد بخش خصوصی را ندادند. البته امیدواریم از قبل سیاستهای کلی اصل ۴۴ که اخیرا ابلاغ شده به موفقیتهایی در این زمینه دست یابیم.

■ همانطور که خودتان اشاره کردید بخش خصوصی در فضایی حرکت می کند که به شدت دولتی است.

یعنی تعاملی که دولت با بخش خصوصی و دولت با دولت دارد اگر نسبت را به قولی ۸۰ درصد متعلق به دولت و ۲۰ درصد متعلق به بخش خصوصی بدانیم، حجم زیادی از فعالیت در همین ۸۰ درصد وجود دارد. با توجه به اینکه دستگاه ها در حوزه های مختلف تصمیم گیر و اجرایی هستند و بعضی هم ناظر می باشند فکر می کنید تمایل مردم در این فضا نسبت به اصل ۴۴ چگونه خواهد بود؟ آیا از این قضیه استقبال خواهند کرد؟

فکر می کنم در حال حاضر تمام تصمیم گیران و

تصمیم سازان کشور به این جمع بندی رسیده اند که باید یک نقطه عطفی در مسیر حرکتی خود ایجاد نمایند و استمرار وضعیت اقتصادی کشور و رشد مطلوب با استمرار شرایط موجود، امکان پذیر نیست. از طرفی سال دوم چشم انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی را می گذرانیم و از سوی دیگر سیاستهای کلی نظام که بالاترین مقام سیاستگذار و تصمیم گیر کشور ابلاغ کرده طبق اصل ۱۱۰ قانون اساسی جزء اختیارات رهبری است. پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است که سیاستهای کلی ابلاغ می گردد. فکر می کنم می توان بسیار امیدوار بود. البته هنوز سنگها و سدهای سنگین در مسیر اجرایی کامل این سیاستها وجود دارد. نکته دیگر اینکه هنوز NGO ها و نهادهای مدنی غیر دولتی قدرتمند در دفاع از حقوق بخش خصوصی نداریم. یعنی بخش خصوصی مدافعین ندارد و نهادهای مدنی قدرتمندی را هم نتوانسته راه اندازی نماید که مناقش باشد. فکر می کنم حلقه های واسط باید میان حاکمیت و صاحبان حرف، کار، تولید و کارآفرینی که خدمات متقابل حاکمیت و صاحبان حرف را به یکدیگر منتقل کنند، تشکیل شود. در حال حاضر این حلقه ها کمتر به چشم می خورد.

■ نگرانیهای عمده ای از نحوه اجرای اصل ۴۴ وجود دارد اما پیش از پرداختن به نحوه واگذاری ها و نگرانی از آن، بنظر می رسد

بیشتر باید نگران این باشیم که فضای کسب و کار در کشور ما چه وضعیتی دارد، آیا فضای کسب و کار مساعدی داریم یا خیر؟ هر چند با فضای کسب و کار موجود، واگذاریها هم از پیش شکست خورده هستند، دیدگاه شما در این مورد چیست؟

فکر می کنم هیچ زمانی بحث خصوصی سازی در کشور ما به صورت جدی دنبال نشده است و طی سالهای گذشته این امر با موفقیت روبرو نبوده چه اینکه ظرف ۱۶ سال گذشته هر یک تومان کالا که بنگاه دولتی به بخش خصوصی واگذار کرده ۳۹ تومان سرمایه گذاری جدید توسط دولت صورت گرفته است. این نوع خصوصی سازی است؟ یکی از دلایل جدی گرفته نشدن خصوصی سازی این است که دستگاه های اجرایی ذی نفع هستند و خودشان مامور اجرای این پروژه می باشند قاعدتا نمی توانند موفق عمل کنند و بالاخره اینکه بسیاری از بنگاه های اقتصادی که در کشور وجود دارد بصورت حیاط خلوت دستگاه های دولتی کار می کنند! این مسوولین قاعدتا بصورت طبیعی نمی توانند خصوصی سازی را مدیریت، راهبری و هدایت کنند. ساز و کارهای لازم ایجاد نشده و رقابت های با وجود عادلانه نیست. در برنامه دوم و سوم بویژه برنامه سوم حداقل دو یا سه ماده قید شده که در واگذاریهای امور باید عدالت میان بخش خصوصی و تعاونی های دولتی رعایت شود و حداقل شرایط برای همه یکسان باشد در حالیکه عملا این اتفاق نمی افتد.

حتی می خواهم بگویم قضیه فراتر از این مباحث است. بعضی بنگاه های قدرتمند دولتی در بسیاری از مناقصه ها شرکت می کنند قیمتهای غیرواقعی اظهار می نمایند و حتی به ظاهر در آن پیروز می شوند تنها به پشتوانه اینکه دولتی هستند و توان و قدرت مقابله با کارفرما را دارند. هر زمانی هم که در پروژه ها با مشکلی مواجه شوند می توانند به ریزنی با دستگاه های مختلف متوسل شوند یا از منابع مختلف به تامین مالی خود بپردازند یا در پروژه ها تأخیر کنند بدون اینکه مورد سوال واقع شوند اما بخش خصوصی فاقد این توانمندی است و نمی تواند در مناقصه ها قیمتی اعلام نماید که رقبای قدرتمند دولتی را از عرصه بیرون نماید.

نکته دیگر اینکه همین بخش خصوصی ضعیف در بسیاری از موارد جرات نمی کند تا تمام توان در عرصه ظاهر شود و بدلیل جریاناتی که وجود دارد بسیار با احتیاط و محافظه کار وارد میدان می گردد. جرات ریسک و پرواز ندارد که مجموع این عوامل فضای ساز و کار را از میان می برد. فضای امروز مطلوب نیست و باید آنرا اصلاح کرد، نرم افزارهای لازم را

بوجود آورد و مقررات و قوانینی که می تواند مدافع بخش خصوصی باشد را حاکم کرد.

■ در برنامه های اول تا سوم که شما از اعضای تدوین کننده آن بودید آیا در مورد این قضایا پیش بینی های صورت گرفته بود یا خیر؟

پیش بینی شده بود اما در عمل با بانک مواجه شدیم! شاید این واژه مناسب رسانه ای نباشد اما در عمل رو دست خوردیم. یعنی قوانین و مقررات تصویب شد و سعی گردید بسیار جدی، روشن، صریح و شفاف باشد اما آنهایی که نمی خواستند این عمل انجام شود راهکارهای قانونی و خصوصی جهت گریز از آن را پیدا کردند و نتیجه این شد که طی ۱۶ سال گذشته ۳۹ برابر دولت زایی شده و اقتصاد دولتی افزایش یافته است.

■ در ابلاغیه بند ج آمده است که اگر بخش خصوصی در مواردی علاقمندی نداشته و یا نتوانست صنعتی را راه اندازی نماید و امور آن را به عهده بگیرد، دولت می تواند طبق مصوبه مجلس، آن فعالیت را توسعه دهد آیا این امر، راه فراری نیست که دولت به این بهانه فعالیت های خود را گسترش دهد و ما دوباره نسبت ۳۹ به یک را حفظ کنیم؟

این امر بستگی به رویکرد مجلس و دولت دارد. زمانی دولتها تنها مسوول امنیت شهروندان و حفظ تمامیت ارضی کشور بودند و اینکه حکومت قدرت خود را حفظ کند. بقیه مسوولیتها در مواردی مانند بهداشت، آموزش و... مربوط به مردم واگذار بود اما امروزه در دولت رفاه گفته می شود که وظایف حاکمیت این است که تمام امکانات برای زندگی خوب مناسب و سالم را برای شهروندان فراهم سازد. منتها دولت می تواند بسیاری از این وظایف را واگذار کند اما زمانی موارد فوق این گونه ترجمه می شوند که دولت باید سینما دارد، فیلم بسازد، پارک راه اندازی کند و... در صورتیکه دولت با امکانات مالی، تشکیلات، قدرت سیاسی و تصمیم گیری که دارد باید آن چنان مدیریت کند که مردم کارهای خود را خودشان انجام دهند و سود ناشی از فعالیتهای خودشان را هم بتوانند عادلانه دریافت کنند. البته دولت در ضمن اینکه چنین فعالیتهایی را انجام می دهد نمی تواند از هیچ مسوولیتی شانه خالی کند. نکته ای که اشاره کردید درست است بالاخره اگر زمانی بخش خصوصی حاضر نشد فعالیتی را انجام دهد دولت موظف به انجام آن می باشد اما نباید این بن بستها بوجود آید.

■ آیا دولت و مجلس این سعه صدر و ریسک پذیری را دارند که در هنگام واگذاری امور به بخش خصوصی از این بند استفاده نکنند؟

در این زمینه برخی موانع ساختاری وجود دارد که باید برطرف شوند. بازار بورس کشور ۵۰ میلیارد دلار قیمت دارد. به گفته شما ۸۰ درصد آن دولتی است و فرض می کنیم ۲۰ درصد آن به صورت خالص متعلق به بخش خصوصی است و قرار است بنگاه هایی که در صدر اصل ۴۴ هستند واگذار شوند. برآورد

اولیه حاکی از آن است که قیمت بنگاه های مذکور ۱۵۰ میلیارد دلار است. علاوه بر این قرار است در طول دو برنامه آینده حداقل ۱۵۰-۱۰۰ میلیارد دلار هم سرمایه گذاری جدید کنیم. بنابراین این بخش خصوصی که تاکنون توانسته ۱۰ میلیارد دلار را در بازار بورس فراهم نماید و به تحرک و دارد باید آماده تحمل ۳۰۰ میلیارد دلار کار هم باشد. ما نه برای بخش خصوصی جرات این کار را گذاشته ایم و نه بخش خصوصی توانایی مالی آن را دارد. از سوی دیگر همانطور که می دانید دولت به منابع نفتی متکی است و حدود ۶۰-۵۰ میلیارد دلار درآمد نفتی سالیانه دارد. این مبلغ می تواند با ساز و کارهای مناسب و صحیح حامی بخش خصوصی باشد که می خواهد این بار سنگین را تحویل بگیرد دولت باید حمایت و هدایت نماید و منابع مالی را در اختیار بخش خصوصی بگذارد و ریسک را هم به بخش خصوصی منتقل کند. (البته نه به این معنی که اختیار عمل را از بخش خصوصی بگیرد تا آن حدی که نتواند حتی بهره بانکی خود را پرداخت نماید)

در واقع اگر انتظار داشته باشیم که سیاستهای اصل ۴۴ ظرف سالهای ۸۶ و ۸۵ اجرا شود توقعی غیرعملی است. ضمن اینکه تصور می کنم اگر سیاستها به درستی انجام شود، انقلاب اقتصادی در کشور اتفاق خواهد افتاد، معتمد اجرای صحیح و اصولی آن زمانبر و طولانی مدت است و نباید از این بابت نگران باشیم. یکسری از مشکلات سر راه، موانع نرم افزاری است. بسیاری از قوانین و مقررات شانور و تصمیم گیریهای عجولانه حاکمیت وجود دارد اما زمانی که بناسات کاربزرگ اقتصادی در کشور صورت پذیرد باید سرمایه گذار با تکیه و اطمینان به قوانین و مقررات منطقی و اصولی، پیش بینی از ۱۵-۱۰ سال آینده خود داشته باشد.

■ در خلال صحبتها بیان به یکسری موانع، مشکلات و سنگهای بزرگ اشاره کردید در مورد آنها بیشتر توضیح می دهید؟

البته قسمد از طرح آنها این نیست که مجموعه عوامل را اقتدر بزرگ نمایی کنیم که به این نتیجه برسیم نمی توان اصل ۴۴ را پیاده کرد. اما کسی که می خواهد وارد این میدان شود باید بداند کار سنگینی پیش رو دارد و خود را آماده و مجهز نماید تا در این میدان پرخطر موفق باشد. البته اگر این اتفاق بیفتد تحول عظیمی در کشور بوجود خواهد آمد. یعنی چشم انداز ۲۰ ساله که ذکر شده باید دانایی محور باشد و در سال ۱۴۰۴ ایران باید کشوری توسعه یافته و دارای تولید اول علم و اقتصاد (پول) در سطح منطقه باشد، در این مدل توسعه یافتگی کشور باید ۸/۵ درصد رشد سالیانه مستمر برای ۲۰ ساله داشته باشیم. در حالیکه رکوردی که در بهترین حالت در طول ۲۷ سال گذشته داشته ایم ۷/۳ است. ممکن است در یکسال به ۸/۵ درصد برسیم اما حفظ این رقم بصورت مستمر در ۲۰ سال به اصطلاح کاری می طلبد کارستان! باید تمام سیاستهای مملکت همسو شوند. فعالیتهای یکدیگر را خنثی نکنیم. امکانات مالی، تجهیزات، نیروی انسانی، باهوش، با اراده و قدرتمند در اختیار داریم. بنظر چشم انداز توسعه، قله های بلندی دارد اما صعود به آن فکری بلندپروازانه نیست،

در این زمینه اقدام به تاسیس کمیسیون ویژه اصل ۴۴ در مجلس کرده ایم که در آن مساعدت دولت، تصویب قوانین و رصد کردن عملیات دولت که آیا گام به گام به آن سمت حرکت می کند یا خیر، مورد توجه قرار می گیرد.

کمیسیون ویژه در تمام دوره های مجلس بیش از ۳ بار تشکیل نشده است. دوره اول آن که به دستور امام خمینی (ره) پیرامون حل و فصل موضوع جاسوسان و گروهان های آمریکایی تشکیل و منجر به صدور بیانیه الجزایر و برگزاری دادگاه لاهه شد. دومین کمیسیون در مجلس ششم و جهت بررسی وضعیت عراق و افغانستان راه اندازی شد که چندان موفق نبود و در اواسط حرکت، تعطیل شد. کمیسیون اصل ۴۴ هم که در جریان است و معتقدیم نیازمند مساعدت و همفکری تمام افرادی است که می توانند در این قضیه فکر، برنامه و ایده داشته باشند. تمام این مسائل در کارگاه های پژوهشی و با بهره گیری از اسناد دانشگاه ها و دیگران مسیر حرکت را هموارتر خواهد کرد.

■ ممکن است به فعالیتهای انجام شده این کمیسیون اشاره نمائید؟

تاکنون نشستهای مشترکی با دولت و نمایندگان آن برگزار شده است. دولت در حال طراحی لایحه ای است که در آن خصوصی سازی، قانون ضمانتضمانت، جدول زمان بندی و اولویت دادن به صنایع جهت آزادسازی مورد بررسی قرار می گیرد. پیش نویس آن مشتمل بر ۶۰-۵۰ ماده است اما قانونی جامع و کامل می باشد که ریشه در ۴-۳ سال گذشته دارد. در حال حاضر به تهیه لایحه کمک می کنیم که اگر قرار شد بصورت لایحه وارد مجلس گردد، مجلس با آن بیگانه نباشد. فکر می کنم یکی از اصلی ترین و نخستین کارهایی است که باید در زمینه اصل ۴۴ انجام بگیرد. امیدوارم دولت بتواند آنرا به سامان برساند و تقدیم مجلس کند.

مطالعاتی هم به روی رفتارهای گذشته انجام می شود تا اشکالات، نقاط ضعف و ... گذشته استخراج شود زیرا در گذشته هم قرار بود خصوصی سازی هایی صورت بگیرد که یا تحقق نیافت یا بصورت نامطلوب عملیاتی گردید.

یکسری بنگاه های واسطه ای هم باید راه اندازی شوند ممکن است در این میان بانکهای جدید مانند بانک سرمایه گذاری و سرمایه ای تاسیس شود تا به حمایت از بخش خصوصی بپردازند.

■ در مورد اصل ۴۴ با نمایندگان مختلف، مسوولین ذیربط اجرایی در وزارت اقتصاد و دارایی، صنایع و معادن و سازمان مدیریت و برنامه ریزی صحبت کرده ایم. و خوشبختانه همگی آنها مدافع خصوصی سازی هستند اما این امر در اجرا دچار مشکل است. قوانین در اختیار مجلس و اجرای آن هم در اختیار دولت می باشد. جای تعجب است چطور می شود علیرغم اعتقاد همه دستگاه ها به بخش خصوصی روز به روز شاهد بزرگتر شدن دولت و محدود شدن اختیارات بخش خصوصی

باشیم؟! در این سالها شرکتهای دولتی متعددی راه اندازی شده و دولت سرمایه گذاری فراوانی هم انجام داده است که خصوصی سازی را با شکست مواجه نمود. مشکل از کجاست؟ عده ای معتقدند مشکل از مدیران میانی است، برخی می گویند بسترهای مناسب خصوصی سازی وجود ندارد. مقام معظم رهبری در مقدمه اصل ۴۴ می فرمایند که یکسری قوانین باید اصلاح شوند یا بطور کلی تغییر یابند. ایده شما در این مورد چیست؟ یا توجه به اینکه هم نسبت به خصوصی سازی متفق القول هستند و خود را مدافع آن نشان می دهند اما در عمل اتفاق دیگری می افتد...

مسائلی که اشاره کردید اکثرا صحت دارند. علت هم به این مساله باز می گردد که یک کار بزرگ و سنگین در گذشته بصورت ناقص انجام شده و بسیاری از عاملین آن هم پشیمان هستند. افرادی که مایل نیستند خصوصی سازی عملیاتی و اجرایی شوند بطور مرتب عملکرد گذشته را به رخ می کشند و استدلال نیرومندی هم دارند. آنها معتقدند نگاه دولتی به افرادی واگذار شده که اصولا نگاه دار نیستند! آن دسته از افرادی هم که از مفهوم خصوصی سازی برداشت صحیحی دارند و می خواهند آنرا اجرایی کنند نگران هستند که آیا مدافعی دارند یا خیر... ما در این قضیه همواره فکر می کنیم باید حالت خوف و رجا در خود حفظ کنیم. از طرفی امیدوار باشیم و از سوی دیگر شتابزده و بدون فکر عمل نکنیم. بعضی از قوانین گذشته باید اصلاح بشوند و مورد نقد قرار گیرند. حتی در لایحه ای که اشاره کردم برخی از کمبودهای برنامه چهارم را هم به آن اضافه می کنیم. چون در برنامه چهارم تعداد فراوانی از موادطبق اصل ۴۴ حذف شد و در حال حاضر بسیاری از این مواد می توانند احیا و اصلاح شوند.

باید ابتدا سبب قانونی را درست کنیم و سپس با همت و تلاش دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام (که ناظر بر اجرای صحیح قوانین است) به تفاهم زمان بندی برسیم و در طراحی جدول زمان بندی به صورت توانمند و مستدل پیش رویم. مثلا تا پایان سال ۸۵ اگر توانستیم از این دو مقوله با سلامت عبور کنیم و به یک جمع بندی دست یابیم، می توانیم یکسری شاخص جهت بررسی عملکرد طراحی کنیم و جدول زمانبندی داشته باشیم. باید نرم افزارهای لازم را

یکی از دلایل جدی گرفته نشدن خصوصی سازی این است که دستگاه های اجرایی ذی نفع هستند و خودشان مامور اجرای این پروژه می باشند قاعدتا نمی توانند موفق عمل کنند و بالاخره اینکه بسیاری از بنگاه های اقتصادی که در کشور وجود دارد بصورت حیاط خلوت دستگاه های دولتی کار می کنند!! این مسوولین قاعدتا بصورت طبیعی نمی توانند خصوصی سازی را مدیریت، راهبری و هدایت کنند.

برای انجام این پروژه عظیم مهیا سازیم و آنگاه توکل به خدا ...

■ دیدگاه شما پیرامون نحوه واگذاریهای اصل ۴۴ چیست؟

اگر دولت تصمیمش این باشد که اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاستهای کلی را منحصر در سهام عدالت نماید، در گام نخست اختلاف است و ما آنرا قبول نداریم. سهام عدالت وسیله ای در کنار واگذاری امور به بخش خصوصی است. حضور سهام عدالت ضروری می باشد اما تمام امور به هیچ وجه نباید منحصر به آن باشد. برداشت بنده از مجموع سیاستهای ابلاغیه در نظر گرفتن دو هدف توانمند سازی کارآمد کردن بنگاه ها و دوم عدالت و باز توزیع ثروت می باشد. اگر اینها هر کدام قربانی دیگری شود، دوبال برنده ای است که تنها یک بال پرواز دارد. این دوبال باید با همدیگر رشد کنند.

یکی از انتقاداتی که به عملکرد گذشته خصوصی سازی باز می گردد این است که برخی اوقات خصوصی سازی در اصل امور قرار می گیرد و بسیاری از افراد آنرا مورد سوء استفاده قرار می دهند و عملا خصوصی سازی اتفاق نمی افتد زمانی هم اگر بخواهیم عدالت را پررنگ تر کنیم و کارآمد کردن بنگاه را قربانی عدالت کنیم اصل و فلسفه سیاست را مخلوش ساخته ایم. فکر می کنم دولت باید به این دوبال به اندازه هم اهمیت دهد.

■ مدتی پیش گفت و گویی جالبی از شما در مطبوعات خواندم که به مساله مالکیت و مدیریت اشاره داشتید و معتقدید لازم نیست مالکیت ها را واگذاری کنیم که بخش خصوصی مجبور باشد حجم زیاد سرمایه را بیاورد. فضا هم فضای مطلوبی نیست و ممکن است تجربیات نامطلوب گذشته مانع پرداختن به خصوصی سازی شود. بحث مدیریت و اجاره به شرط تملیک را در صنایع مطرح کردید پرسش اینجاست که در زمینه مالکیت و مدیریت مدل خاصی وجود دارد که از آن پیروی کنیم؟ مثلا در مدل چین صرفا مدیریت واگذار می شود و بعدها بتدریج مالکیت را مطرح می کنند یا در بعضی از کشورها تعاونی ها را گسترش داده اند و... آیا از مدل خاصی پیروی می کنید؟

در زمینه یافتن مدل مطالعات تطبیقی و تئوریک انجام نداده ام اما باید توجه کرد چه در انتقال مالکیت و چه در انتقال مدیریت، بخش خصوصی توان این را ندارد که تمام سرمایه را خود متقبل شود. دولت باید در این زمینه مساعدت کند و ریسک سرمایه گذاری را به بخش خصوصی منتقل نماید و به همان نسبت هم خودش را متعهد بداند که به بخش خصوصی کمک کند تا در این ریسک شکست نخورد. بنابراین شاید یک محلل یا حلقه واسطه پیش از انتقال مدیریت و مالکیت باید وجود داشته باشد.

نکته دیگر این که در برخی موارد نباید اصل را بر درآمذایی از محل خصوصی سازی برای دولت گذاشت. ممکن است زمانی برایمان این فایده وجود

داشته باشد که مثلا پالایشگاه را سالی یکهزار تومان اجاره دهیم اما یکسری از شرایط را به مستاجر تحمیل کنیم و به وی اظهار شود پالایشگاه را چند تومان اجاره می دهیم به شرط اینکه تجهیزات آن را مدرن کنید فرصت های شغلی را حفظ کنید تا بنگاه از نظر ساختار و تکنولوژیک اصلاح شود و در این مسیر به آن کمک هم کنیم و مواد اولیه را به موقع در اختیارشان قرار دهیم و... این مسائل باید رعایت شوند. فکر می کنم به این ترتیب می توان جرات را به بخش خصوصی منتقل کرد. نکته دیگر اینکه دولت و بخش خصوصی باید عملکرد یکدیگر را مورد ارزیابی قرار دهند بخش خصوصی باید دقت کند که دولت تا چه میزان از وی حمایت می کند و دولت نیز باید بررسی کند بخش خصوصی چقدر توان کشیدن این بار سنگین را دارد.

■ همانطور که می دانید قرار است در این زمینه، نقش دولت از اجرا و تصدی گری به سیاست گذاری و نظارت تغییر یابد. به هر حال مجلس هم در این راستا باید قوانین و طرحهایی را تصویب کند که دولت این نقش را هرچه زودتر برعهده بگیرد. نکته اینجاست که دولت به دلیل ذات وجودی خود نمی تواند سیاستهای اصل ۴۴ را اجرا نماید و با منافعش در تضاد است. بنظر می رسد سایر نهادها مانند مجلس و قوه قضائیه باید این نقش را از دولت بگیرند و دولت نقش جدید سیاستگذاری را برای خود تعریف نماید. طبق شنیده ها، کمیسیون های مشترکی از مجلس و قوه قضائیه تعیین شده که این قضایا را دنبال می کنند، راهکارهای اساسی، سیاستها و استراتژیهای این کمیسیونها چیست؟

باید توجه داشت که نمی توان وظایف قوا را به یکدیگر واگذار کنیم، قوه مجریه وظایف خاص خود را دارد و مجلس در اجرا هیچ دخالتی ندارد. در مورد قوه قضائیه نیز وضعیت چنین است. ما نمی خواهیم وظایف سه قوه را تغییر دهیم یا آنها را به یکدیگر واگذار کنیم. شاخصهای اصلی اقتصاد کلان دولت را ۲-۳ دسته کنترل می کنند که عبارتند از بانک مرکزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت اقتصاد و دارایی و سایر دستگاه ها مصرف کننده هستند. تولید درآمد در کشور ما نیز در وزارت نفت و وزارت اقتصاد و دارایی صورت می گیرد لذا ساختار و نهادهای که می خواهد واگذاری را انجام دهد نباید به وزارتخانه ها وابسته باشد اما مثلا می تواند در سازمان مدیریت و برنامه ریزی شکل بگیرد. در حال حاضر دبیر اجرای سیاست اصل ۴۴، وزیر اقتصاد و دارایی و نهاد ریاست جمهوری است. یعنی مخاطب ما و مقام معظم رهبری شخص رئیس جمهور و نهاد ریاست جمهوری می باشد. در لایحه ای که به آن اشاره کردم تمام این مسائل مطرح شده است. مسائلی مانند گروهی که باید امور را واگذار نماید. گروهی هم باید قیمت گذاری کند و... مجلس نمی تواند جایگزین قوه مجریه شود اما می توانیم با همراهی و مساعدت قوه مجریه نهادهایی را طراحی کنیم که مالکین این حیاط خلوتها! منتفع نباشند.